

Ethics and Behavior Relationship from the Viewpoints of shahid Motahhari and Dr. Fanaei

Somayeh Sadat Mousavi^{*1}, Mohammad Sarbakhshi²

1. PhD in Islamic Ethics from the University of Islamic Education and researcher in Ethics and Education at the Islamic Studies Research Center of Al-Zahra Community.
2. Assistant Professor and Faculty Member of Imam Khomeini Institute for Education and Research.

DOI: 10.22034/nrr.2025.67020.1471 URL: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_20358.html	
Corresponding Author: Somayeh Sadat Mousavi	ABSTRACT
Email: smhosna11@gmail.com	Dr. Fanaei claims that Muslim ethics is an afterlife ethic, in which only the enjoyment of one's virtues and sensual possessions is important and not the behavior of these estates, so Muslims do not have a correct view of the place of ethics in social relations. In contrast, in Western culture today, there is social behavior, or secular ethics, in which behavior itself, regardless of the motivations behind it, is concerned only with the condition that it should not harm others. Therefore, secular ethics, as it is a social ethic, and its behavior is in principle suited to human social life and is more effective than Muslim ethics. In this study, in order to investigate the aforementioned claim, we review and compare shahid Motahhari's ideas as a prominent figure among Muslim scholars and Dr. Fanaei as one of the proponents and advocates of secular ethics in Iran. The findings were then analyzed using a descriptive-analytical approach that seriously criticized Dr. Fanaei's claim of neglecting behavior in Muslim ethics and the superiority of secular social ethics. From the martyr Motahhari's point of view, despite the apparent contradiction between their ethical definitions, the behavior has not been neglected, although some points need to be clarified in this regard. It has also been found that a definition of ethics can be provided that does not include such secularist critiques and explicitly includes all discretionary matters, including behavior
Received: 2025/04/27 Accepted: 2025/09/03 Available: 2025/09/06	
Open Access 	
Keywords: Secular Ethics, Muslim Ethics, Ethics and Behavior Relationships, Hereafter Ethics, Social Ethics.	



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



تحلیل تطبیقی دیدگاه شهید مطهری و دکتر فانی در نسبت سنجی اخلاق و رفتار

سمیه السادات موسوی^{۱*}، محمد سربخشی^۲

۱. دکترای اخلاق اسلامی از دانشگاه معارف اسلامی و پژوهشگر اخلاق و تربیت پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا سلام الله علیها (نویسنده مسئول).

۲. دکترای فلسفه اسلامی، استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

DOI: 10.22034/nrr.2025.67020.1471

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_20358.html

چکیده

دکتر فانی ادعا می‌کند اخلاق مسلمانان یک اخلاق آخرت‌گراست و در آن تنها برخورداری فرد از فضایل و ملکات نفسانی مهم است نه بروز رفتاری این ملکات؛ از این رو، مسلمانان تصویر درستی از جایگاه اخلاق در روابط اجتماعی ندارند. در مقابل، در فرهنگ کنونی غرب، رفتار اجتماعی یا همان اخلاق سکولار مطرح است که در آن خود رفتار بدون در نظر گرفتن انگیزه‌هایی که در پس آن است مورد توجه است تنها با این شرط که نباید به دیگران ضرری برسد؛ بنابراین، اخلاق سکولار چون یک اخلاق اجتماعی است و رفتار در آن اصل است برای زندگی اجتماعی بشر مناسب بوده و کارایی بیشتری نسبت به اخلاق مسلمانان دارد. این پژوهش جهت بررسی ادعای مذکور، به بازخوانی و مقایسه اندیشه شهید مطهری به عنوان چهره‌ای مطرح در میان اندیشمندان مسلمان و دکتر فانی به عنوان یکی از طرفداران اخلاق سکولار در ایران پرداخته است. در این راستا، از روش تحلیل تطبیقی استفاده شد و نتایج به دست آمده نشان داد که بر ادعای دکتر فانی مبنی بر غفلت از رفتار در اخلاق مسلمانان و برتری اخلاق اجتماعی سکولار، نقدهای جدی وارد است. از دیدگاه شهید مطهری نیز، به رغم تعارض ظاهری میان تعاریف ارائه شده از اخلاق توسط ایشان، رفتار مورد غفلت قرار نگرفته؛ هرچند نکاتی در این دیدگاه نیازمند توضیح است. تفاوت اصلی دو دیدگاه در آن است که دکتر فانی برای اخلاقی بودن یک عمل، صرفاً قائل به حسن فعلی است؛ اما شهید مطهری حسن فاعلی را در کنار حسن فعلی لازم و ضروری می‌داند. همچنین به دست آمد که می‌توان تعریفی از اخلاق ارائه داد که چنین نقدهایی به آن وارد نباشد و به صراحت همه امور اختیاری، از جمله رفتار را شامل شود.

نویسنده مسئول:

سمیه السادات موسوی

ایمیل:

smhosna110@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

اخلاق سکولار، اخلاق مسلمانان، نسبت اخلاق و رفتار، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی

سکولاریسم از جمله مکاتبی است که در پی نارسایی‌های دین تحریف‌شده مسیحیت برای پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و اجتماعی بشر به وجود آمد. ادعای این مکتب آن بود که علم تجربی و عقل بشری به تنهایی توانایی رفع نیازهای زندگی دنیایی انسان را دارند و دین یک امر شخصی و اخروی است که نباید آن را در عرصه‌های مختلف زندگی دنیایی دخالت داد (see: Holyoake, 1896: 50 & 51).

از جمله ساحت‌هایی که سکولاریسم در آن سخن رانده، ساحت اخلاق است. دکتر فنایی، از طرفداران اخلاق سکولار در ایران، ادعا می‌کند بر اساس اخلاقی که در میان مسلمانان وجود دارد اگر فرد از یکسری صفات و فضایل نفسانی برخوردار شود و از یکسری رذایل نفسانی پرهیز کند به سعادت اخروی دست می‌یابد. اخلاق با این تعریف به نقش فضایل و رذایل در رفتار با دیگران توجهی ندارد؛ بنابراین، مسلمانان اخلاق را به اخلاق فردی فروکاسته‌اند. در مقابل، موضوع اخلاق اجتماعی، یعنی همان اخلاق سکولار، رفتار فرد با دیگران است و آنچه در این اخلاق اهمیت دارد آن است که رفتار افراد ضرری به دیگران نرساند. همین ویژگی سبب اخلاقی شدن رفتار از نظر سکولارها می‌شود؛ حتی اگر نیت خیرخواهانه و درستی برای آن نباشد (ر.ک: فنایی، ۱۳۸۴: ۵۱ - ۵۳).

نشان دادن چنین تصویر محدود، نارسا و غیرمنطقی از اخلاق مسلمانان بیشتر بر پایه استناد به تعریفی است که در منابع اخلاق اسلامی برای اخلاق بیان شده و آن را ملکات راسخ در نفس معرفی کرده است. با توجه به تلاش اخلاق سکولار برای ناکارآمد نشان دادن اخلاق دینی، ضروری است به بررسی دقیق تعریف اخلاق از منظر هر دو دیدگاه و نسبت آن با رفتار بپردازیم تا روشن شود آیا تصویر ارائه شده از اخلاق مسلمانان تصویر درستی است؟ و آیا اخلاق اجتماعی با محوریت رفتار صرف، جایگزین خوبی برای آن محسوب می‌شود؟ آیا در حوزه اخلاق اسلامی می‌توان تعریفی از اخلاق ارائه کرد که نسبتش با رفتار صراحتاً مشخص باشد؟

بررسی این مسئله از جهات مختلف، به‌ویژه از نظر پیامدهای تربیتی و اجتماعی دارای اهمیت است؛ زیرا اخلاق سکولار به تربیت افرادی می‌انجامد که "به‌ظاهر" خوب رفتار می‌کنند؛ اما فاقد تعهد درونی هستند. آنها یاد می‌گیرند که برای اجتناب از مجازات یا دریافت پاداش، رفتار "مناسب" را نمایش دهند، نه به دلیل درک عمیق از خوبی آن رفتار. از طرفی، اخلاق سکولار ناخواسته ریاکاری را عادی‌سازی و یا حتی تشویق می‌کند؛ زیرا انجام یک عمل خوب با انگیزه بد، مثلاً برای فریب، کسب منفعت یا تحقیر دیگران، از نظر سیستم اخلاقی

سکولار قابل قبول است. این موضوع در بلندمدت می‌تواند باعث ایجاد جامعه‌ای شود که در آن اعتماد از بین می‌رود؛ زیرا افراد همیشه در پس رفتارهای به‌ظاهر خوب، به دنبال انگیزه‌های پنهان و خودخواهانه می‌گردند. این مسئله سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، همبستگی و احساس مسئولیت جمعی را تحلیل برده و جامعه‌ای سرد، حسابگر و سطحی به جا می‌گذارد.

پیشینه پژوهش

بحث درباره رابطه اخلاق و رفتار یکی از مباحث سابقه‌دار و کلاسیک است که هم در فلسفه اخلاق اسلامی و هم در فلسفه اخلاق غربی به شکل‌های مختلفی مطرح شده است. درواقع، می‌توان گفت یکی از خطوط اصلی تمایز بین مکاتب اخلاقی، پاسخ به همین پرسش است که آیا اخلاق فقط شامل «ملکات و حالات باطنی» می‌شود یا فقط «رفتارهای ظاهری» را در برمی‌گیرد؟ یا ترکیبی از هر دو؟

دیدگاه فضیلت‌محور^۱ که ریشه در آرای ارسطو و بعدها فیلسوفان مسلمانی مانند ابن مسکویه و ابوعلی سینا دارد، معتقد است محور اخلاق، «ملکات و فضایل نفسانی» است. در این نگاه، یک عمل زمانی واقعاً اخلاقی است که از شخصی فضیلت‌مند (عادل، شجاع، حکیم) صادر شود. رفتار خوب تصادفی یا برای نمایش (ریاکاری) ارزش اخلاقی ذاتی ندارد و فقط زمانی که منشأ رفتار خوب، ملکات و فضایل نفسانی باشند آن عمل، یک عمل اخلاقی محسوب می‌شود (رک: ارسطو، ۱۳۸۵: ترجمه لطفی، ۶۰؛ ابن مسکویه، ۹۱ و ۱۱۵؛ ابن سینا، ۴۲۹ و ۴۳۰). در مقابل، دیدگاه وظیفه‌گرا^۲ و نتیجه‌گرا^۳ که بیشتر در سنت غربی قوت گرفته‌اند، بر خود «عمل» تأکید می‌کنند. وظیفه‌گرایان به‌طور کلی معتقدند وجوه خاصی از خود عمل، غیر از ارزشی که به وجود می‌آورد، می‌تواند یک عمل یا قاعده را وظیفه و الزامی کند. به عبارتی، بعضی اعمال و افعال را می‌توان یافت که ذاتاً و با قطع نظر از نتایجی که به بار می‌آورند، انجام آن‌ها اخلاقاً درست، الزامی و وظیفه است (Frankena, 1963: 14). وظیفه‌گرایانی مثل کانت معتقدند تنها چیزی که بدون قید و شرط خوب است، «اراده خوب» است؛ اما این اراده خوب، نه یک ملکه، بلکه تصمیم برای عمل کردن از روی تکلیف و مطابق با قانون اخلاقی جهانی یا همان «امر مطلق»^۴ است. بدین ترتیب، تمرکز اصلی بر خود عمل و قابلیت تعمیم آن است (see: Kant, 1870: 26 – 73).

1. Virtue Ethics
2. Consequentialism

۳. امر مطلق یک قانون اخلاقی است که می‌گوید: فقط بر اساس آن اصلی عمل کنید که به موجب آن می‌توانید همزمان اراده کنید که آن قانون به یک قانون جهانی تبدیل شود.

نتیجه‌گرایانی مثل میل و بنتام هم معتقدند اخلاقی بودن یک عمل کاملاً به نتایج آن (مثلاً حداکثر کردن سود و لذت برای بیشترین تعداد) بستگی دارد. در اینجا انگیزه و ملکه نفسانی فرد تقریباً بی‌ربط است و فقط نتیجه رفتار مهم است (see: Mill, 1895: 13 & 14; Bentham, 1948: 1-7).

البته یک دیدگاه میانه و تلفیقی نیز وجود دارد که بر اساس آن، بسیاری از اندیشمندان مسلمان، به‌ویژه متأخران، معتقدند که اخلاق یک ساحت دوگانه دارد و در آن، هم ملکات باطنی مهم است و هم رفتار ظاهری. از نظر آنان، این دو مانند دو روی یک سکه هستند. ملکات راسخ، منشأ رفتارهای خوب می‌شوند و تکرار رفتارهای خوب، به تدریج باعث ایجاد ملکات می‌گردد؛ بنابراین، نمی‌توان یکی را به‌کلی نادیده گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱/۱۲۵؛ همان، ۱۳۹۴: ۲۰ و ۲۱).

اما در رابطه با مکتب سکولار هرچند بررسی‌ها و نقدهای متعددی صورت گرفته، اما آنچه از این مکتب بیشتر مورد توجه بوده سکولاریسم در ساحت سیاسی است و اکثر پاسخ‌ها و نقدها در زمینه جدایی دین از سیاست بیان شده است؛ لذا در زمینه‌های دیگر به‌ویژه اخلاق سکولار منابع کمی به‌صورت مستقل وجود دارد. از طرفی در میان منابع اخلاقی نیز آنچه بیشتر به آن پرداخته شده، رابطه دین و اخلاق است و آثاری که به‌طور ویژه به اخلاق سکولار پرداخته و نسبت آن را با اخلاق دینی مقایسه کرده باشند اندک هستند. از جمله منابع موجود می‌توان به کتاب/اخلاق سکولار اثر سربخشی (۱۳۸۸) اشاره کرد که از جهات مختلف، اخلاق سکولار را مورد بررسی و نقد قرار داده است. منبع دیگر، کتاب دین در ترازوی اخلاق اثر دکتر ابوالقاسم فنایی (۱۳۸۴) است. در این کتاب دکتر فنایی به‌عنوان یکی از طرفداران و مروجان اخلاق سکولار به تبیین دیدگاه اخلاق سکولار و اخلاق دینی پرداخته است.

از آثار مرتبط با اخلاق سکولار در میان مقالات علمی داخلی، می‌توان به مقاله «اخلاق دینی و اخلاق سکولار» اثر شانظری و عبداللهی (۱۳۹۱)، مقاله «نسبت اخلاق دینی و اخلاق سکولار از منظر علامه طباطبایی (ره)» اثر قاسمی و خسروپناه (۱۳۹۲) و مقاله «عینیت دین و اخلاق و برتری اخلاق دینی بر اخلاق سکولار» اثر سربخشی (۱۳۹۸) اشاره کرد. در میان مقالات علمی خارجی نیز می‌توان از مقاله «پروژه اخلاقی سکولار و استدلال اخلاقی برای خدا: تاریخچه خلاصه‌ای کوتاه» اثر Kratt (۲۰۲۳) و مقاله «اخلاق مسیحی و سکولار: یک رابطه متمایز» اثر Proios & Proios (۲۰۱۴) نام برد.

از آنجا که در این منابع، اخلاق سکولار به طور کلی مورد بحث قرار گرفته، پژوهش حاضر در نظر دارد تمرکز خود را فقط بر تعریف اخلاق و نسبت آن با رفتار قرار دهد و این مسئله را به صورت مقایسه‌ای بین دو دیدگاه شهید مطهری و دکتر فنایی بررسی و نظرات آنها را در این زمینه تحلیل نماید.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تحلیل تطبیقی است. هرچند این روش بیشتر در مطالعات اجتماعی شناخته شده است؛ اما منحصر در این علم نیست و می‌توان از آن برای پژوهش در بسیاری از موضوعات استفاده کرد. کالیر (۱۹۹۳) در مورد اهمیت روش تطبیق و مقایسه در پژوهش‌های علمی می‌گوید: «مقایسه، ابزاری اساسی برای تجزیه و تحلیل است. این روش، قدرت توصیف ما را قوی‌تر می‌کند و با ایجاد تشابهات و تضادهای حاکی از تمرکز در موارد، نقش اصلی را در شکل‌گیری مفهوم بازی می‌کند» (Collier, 1993: 105).

از آنجا که تعاریف روش تحلیل تطبیقی عموماً با رویکرد علوم اجتماعی است (رک: Hantrais, 2009: 2) برای ارائه تعریفی مناسب با رویکرد این مقاله، با اخذ چهارچوب‌های اصلی این روش از میان تعاریف موجود، می‌توان این تعریف را پیشنهاد کرد: «تحلیل تطبیقی روشی است که به توصیف و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین عناصر دو یا چند پدیده می‌پردازد». با توجه به این تعریف، در ادامه برای بررسی دو دیدگاه دکتر فنایی و شهید مطهری، ابتدا نسبت اخلاق و رفتار از دیدگاه هر دو اندیشمند به طور جداگانه ارائه می‌گردد. سپس به مقایسه و تطبیق دو دیدگاه پرداخته و پس از ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به نقد و بررسی آنها و تحلیل نتایج حاصله می‌پردازیم و در انتها نظر مختار ارائه خواهد شد.

چهارچوب نظری

در این پژوهش، دیدگاه اسلام به عنوان چهارچوب نظری بحث و شاخص تطبیق و بررسی دیدگاه‌ها انتخاب شده است. از آیات و روایات به دست می‌آید که از نظر اسلام، یک فعل، زمانی ارزش اخلاقی دارد که هم دارای حسن فعلی و هم دارای حسن فاعلی باشد. مفسران، ذیل آیات متعددی از قرآن کریم همچون، آل عمران/۱۹۵، نساء/۱، توبه/۶۹، توبه/۱۲۱، هود/۱۱۵، ابراهیم/۱۸، کهف/۴۶، مریم/۷۶، مائده/۲۷، به لزوم حسن فاعلی در کنار حسن فعلی برای ارزشمندی و پذیرش اعمال اشاره دارند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲/۲۲۸؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳/۳۲۰؛ ۸/۶۲، ۱۴۱، ۵۲۹؛ ۹/۲۷۷؛ ۱۰/۲۹۲ و ۴۱۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۱۷).

حجم زیادی از روایات نیز به بیان اهمیت نیت و قصد فاعل و ارتباط آن با عمل پرداخته‌اند. این دسته از روایات به قدری هستند که در کتب روایی باب مستقلی تحت عنوان نیت یا اخلاص به آنها اختصاص یافته است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۹ ق: ۸۴/۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۶۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱/۴۶) برای مثال، روایاتی از قبیل «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ» (کلینی، ۱۴۰۹ ق: ۸۴/۲)، «كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّةٍ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۴۷) و «أَلَا وَإِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱/۵۱) به ارتباط نیت با عمل اخلاقی اشاره دارند. علامه جوادی آملی (ره) پس از ذکر روایت «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» (صدوق، ۱۳۸۵: ۵۲۴/۲) بیان می‌دارد: «نمی‌شود کار ناپسند را «قربة الى الله» انجام داد؛ بنابراین، باید کار، شایستگی نزدیک ساختن انسان به خدا را داشته باشد؛ یعنی حسن فعلی داشته باشد و ثانیاً باید کار، از حسن فاعلی برخوردار باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۴۵).

۲. مفهوم شناسی

مهم‌ترین واژگان این مقاله که نیاز به بررسی مفهومی دارند واژگان اخلاق، رفتار و اخلاق سکولار است؛ از این رو، پیش از ورود به مباحث اصلی، تعریف مختصری از معنای لغوی و اصطلاحی این واژگان ارائه خواهد شد.

۲-۱. اخلاق

اخلاق، جمع «خُلُق» یا «خُلُق» است که در لغت به معنای دین، سرشت و عادت آمده و گفته شده حقیقت خُلُق آن است که برای صورت باطنی انسان، یعنی نفس اوست و اوصاف و ویژگی‌های مختص به این صورت باطنی محسوب می‌شود؛ همانند خُلُق که برای صورت ظاهری انسان است و اوصاف و ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۰/۷).

در رابطه با معنای اصطلاحی اخلاق، تعریف مشهوری میان علمای اخلاق وجود دارد که در کتاب‌های مختلف با تعبیر تقریباً مشابه آورده شده است. این تعریف مشهور عبارت است از این‌که: «خُلُق ملکه‌ای نفسانی است که اعمال به‌راحتی و بدون تأمل از آن صادر می‌شود» (ابن‌مسکویه، ۱۴۲۶ ق: ۱۱۵؛ نراقی، بی‌تا: ۱/۵۵؛ طباطبایی، ۱۴۳۰ ق: ۱/۲۱۲). بر اساس این تعریف، اخلاق فقط شامل صفات و ویژگی‌های باطنی انسان است و اعمال و رفتار، جزو اخلاق محسوب نمی‌شوند؛ بلکه ناشی از اخلاق و برخاسته از آن هستند. زمانی که خلقی بروز یابد و رفتاری بر اساس آن صادر شود فعل اخلاقی شکل گرفته است که نشان‌دهنده وجود آن خُلُق در انسان است. اگر افعال، برخاسته از ملکات فاضله باشند خوب و اگر برخاسته از ملکات رذیله باشند بد هستند.

نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که در تعریف مشهور اخلاق که اکثر قدما آن را بیان داشته‌اند تنها به ریشه و منشأ صدور افعال توجه شده است که متناسب با نظریات اخلاقی فضیلت‌محور است؛ در حالی که در نظریات غایت‌گرایانه، نتیجه افعال مهم است و در نظریات وظیفه‌گرایانه، خود عمل به عنوان وظیفه مورد توجه است. بنابراین، اگر بخواهیم تعریف اخلاق با همه نظریات اخلاقی تناسب داشته باشد باید تعریفی ارائه کنیم که هم منشأ افعال و هم نتیجه افعال و هم خود افعال را شامل شود.

برای معنای اصطلاحی اخلاق تعاریف دیگری هم وجود دارد؛ منتها از آنجاکه قصد داریم در متن اصلی این نوشتار به بررسی تفصیلی معنای اخلاق و گستره آن از دیدگاه شهید مطهری و دکتر فنایی بپردازیم و در نهایت، تعریف مورد نظر خود را بیان کنیم به همین مقدار اکتفا کرده و تعاریف دیگر را در زمان بررسی ارائه خواهیم کرد.

۲-۲. رفتار

معادل «رفتار» در زبان عربی واژه «عمل» است. راغب اصفهانی در معنای «عمل» آورده: «عمل عبارت است از هر کاری که از روی قصد از حیوان (به معنای عام آن) صادر شود و عمل در این معنا اخص از فعل است؛ چون فعل، گاهی نسبت داده می‌شود به حیواناتی که کاری بدون قصد و اراده از آنها صادر می‌شود و نیز گاهی به جمادات نسبت داده می‌شود؛ ولی در مورد واژه عمل چنین نسبتی کم اتفاق می‌افتد» (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ق: ۵۸۷).

بر اساس دیدگاه علما و اندیشمندان مسلمان، اعم از اهل لغت، فقها و علمای اخلاق، عمل یا رفتار از نظر گستره علاوه بر اعمال جوارحی، یعنی اعمالی که با اعضای بدن انجام می‌شود و قابل مشاهده است، اعمال جوارحی را نیز شامل می‌شود که مربوط به قلب و باطن است. اعمال جوارحی؛ مثل نماز، حج، صدقه و اعمال جوارحی؛ مثل نیت، ایمان، کینه، حسد (زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۵۲۱ / ۱۵؛ حلی، بی تا، ۴۴۰/۱ و نراقی، بی تا: ۱۱۸ / ۳).

در علم روانشناسی، تعریف متفاوتی از رفتار می‌توان یافت. واتسون^۱ بنیان‌گذار مکتب رفتارگرایی در روانشناسی، رفتار^۲ را آن دسته اعمالی می‌داند که مشاهده‌پذیر باشند. او فرایندهای ذهنی را صریحاً انکار می‌کند. رفتار در این مکتب، عبارت است از پاسخی که موجود زنده به یک محرک خارجی می‌دهد. از آنجاکه این تعریف، ابعاد درونی و روانی انسان را نادیده گرفته و انسان را در حد حیوان تنزل داده مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفته است (آذربایجانی و سالاری‌فر، ۱۳۸۲: ۲۸ و ۲۹).

1. John B. Watson (1878 - 1958)

2. Behavior

در روانشناسی اجتماعی از رفتار به کنش تعبیر شده و به عنوان یکی از مؤلفه‌های نگرش^۱، در کنار دو مؤلفه شناختی و عاطفی قرار دارد. «کنش عبارت است از تمایلات فرد برای فعالیت و مربوط است به آنچه شخص انجام می‌دهد یا می‌خواهد که انجام دهد» (پورمقدس، ۱۳۶۷: ۱۱۴ و ۱۱۵). با این تعریف به دست می‌آید که «منظور از مؤلفه رفتاری یا کنشی، صرفاً تحقق خارجی رفتار نیست؛ بلکه آمادگی ذهنی برای انجام دادن یک رفتار است» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۷). به نظر می‌رسد آنچه در این علم به عنوان آمادگی اقدام به عمل از آن یاد می‌شود با تعریف اخلاق به معنای ملکات نفسانی تطابق دارد؛ زیرا وقتی صفتی در نفس انسان به صورت ملکه درآمد آمادگی دارد تا هر وقت که شرایط فراهم بود رفتاری مطابق با آن را بروز دهد. پس رفتار با این تعریف علاوه بر اعمال ظاهری، اخلاق یا همان ملکاتی که باعث بروز رفتار می‌شوند را نیز شامل می‌شود.

در پژوهش حاضر، از آنجاکه رفتار در مقابل اخلاق قرار گرفته و به دنبال نسبت و ارتباط این دو با هم هستیم معنای موردنظر از رفتار همان معنایی است که اندیشمندان اسلامی ارائه کرده‌اند؛ یعنی، رفتار موردنظر ما شامل اعمال جوارحی و جوانحی می‌شود و برخلاف نظر روانشناسان اجتماعی و رفتارگرایان، نه ملکات را در برمی‌گیرد و نه صرفاً اعمال جوارحی مدنظر است.

۲-۳. اخلاق سکولار

واژه سکولار^۲ در فرهنگ آکسفورد به معنای «مرتبط نبودن با مسائل مذهبی یا معنوی» و «زندگی در میان مردم عادی و نه در یک جامعه مذهبی» است (Oxford Advanced Learners Dictionary, 1155). در تعریف سکولاریسم به عنوان یک جریان فکری آمده است: «سکولاریسم عبارت است از گرایشی که طرفدار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن دین در ساحت‌های مختلف حیات اجتماعی انسان از قبیل سیاست، حکومت، علم، عقلانیت، اخلاق و... است» (خطیبی کوشک، ۱۳۸۴: ۷۷).

با توجه به معنای سکولار و سکولاریسم، یکی از معانی ارائه شده برای اخلاق سکولار چنین است: «اخلاق سکولار گرایشی است مربوط به چگونگی صفات، رفتارها و هنجارهای حاکم بر آنها، مبتنی بر دیدگاه غیردینی یا ضد مرجعیت دینی که خواستار دخالت انحصاری و مطلق عقل و علم در تنظیم امور زندگانی و رفتارهای اخلاقی بوده، سعادت دنیوی و رفاه اجتماعی بشر، تنها غایت مطلوب آن است» (سربخشی، ۱۳۸۸: ۴۹). بر اساس این تعریف، اخلاق سکولار بیان‌گر آن است که در تعیین ارزش‌های اخلاقی و مشخص کردن معیار خوب و بد

۱. نگرش یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار در ارتباط با یک موضوع است که دارای سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری است.

(آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶ و ۱۳۷)

برای صفات و رفتارهای اختیاری انسان، دین و آموزه‌های وحیانی هیچ جایگاهی ندارند و فقط عقل بشری صرف و علم تجربی با استناد به امور مادی و ظاهری قابلیت و شایستگی این ارزش‌گذاری را دارند.

دکتر فنایی^۱ به‌عنوان یکی از طرفداران اخلاق سکولار معتقد است اخلاق سکولار اخلاقی است که مستقل از دین، بلکه مقدم بر آن است و (۱) خود دین، (۲) فهم دین و معرفت دینی و (۳) رفتار دینی به تبع آن دچار قبض و بسط می‌شوند (فنایی، ۱۳۸۴: ۵۱).

در یک مقایسه اجمالی بین اخلاق سکولار و اخلاق دینی می‌توان گفت ارجاعات اخلاقی اولیه در اخلاق دینی، وحی‌ها و الهاماتی است که پیامبران و اولیای الهی دریافت کرده‌اند؛ درحالی‌که این مرجع اخلاقی اولیه در اخلاق سکولار، استفاده از عقل مرتبط با تجربیات حسی و تأمل و تعمق جدی در مورد چگونگی زندگی شایسته است (Rivas 2012: 52). به عبارت دیگر، ارزش‌های اخلاقی سکولار مبتنی بر کشف یک خدای متعالی نیستند، بلکه بیشتر برآیند تجربه انسانی هستند. با این نگاه، ارزش‌های انسان سکولار تقدس‌زدایی شده، و برخلاف اخلاق دینی، بیان مستقیم اراده الهی نیستند. در اخلاق سکولار، خیر و شر مقوله‌های قراردادی هستند؛ یعنی آنها به چیزی تبدیل شده‌اند که افراد خاصی در یک زمان و مکان خاص آن را خوب می‌دانند؛ به این ترتیب، آنها در واقعیت، ارزش نیستند؛ بلکه به ارزش تبدیل شده‌اند (Proios & Proios 2014: 76).

۳. نسبت اخلاق و رفتار از دیدگاه شهید مطهری

از آنجاکه نظرات شهید مطهری به‌عنوان یک اندیشمند واقع‌گرا^۲ در مورد اخلاق و رفتار و نسبت بین آنها در کتاب ایشان با عنوان *تعلیم و تربیت اسلامی* به‌وضوح بیان شده است؛ در ادامه، این کتاب را منبع اصلی برای نقل نظرات ایشان در این زمینه قرار خواهیم داد؛ هرچند به فراخور بحث به نظرات ایشان در سایر آثارشان نیز اشاره خواهد شد.

برای دستیابی به دیدگاه استاد مطهری در مورد گستره اخلاق و نحوه ارتباط آن با رفتار می‌بایست ابتدا اخلاق از دیدگاه ایشان تعریف شود. استاد مطهری در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق عبارت است از یک سلسله خصلت‌ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به‌عنوان اصول اخلاقی می‌پذیرد» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵۸). در

۱. ابوالقاسم فنایی متولد ۱۳۳۸ شمسی، دانش‌آموخته درس خارج فقه در حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه قم و کارشناسی ارشد و دکترا در فلسفه اخلاق از دانشگاه شفیلد انگلستان است.

۲. برای آشنایی با نگاه واقع‌گرایانه شهید مطهری و روش استدلال‌های اخلاقی ایشان رک. : موسوی و حسینی قلعه بهمن، ۱۴۰۱: ص ۷۹-۹۷

اخلاق در مورد صفات انسان و این که کدام صفت حال است و کدام ملکه، و این که اگر حال بخواهد تبدیل به ملکه بشود چه باید کرد، و این که ملکه خوب و بد کدامند بحث می کنند (مطهری، ۱۳۷۸: ۷/ ۲۲۲).

همان طور که مشاهده می شود در تعریف ایشان، رفتار وارد نشده است و اخلاق صرفاً به سجایا و صفات و ویژگی های درونی انسان اطلاق می شود. شهید مطهری در مورد تفاوت اخلاق و رفتار می گوید: «اخلاق یک امر ثابت، مطلق و همگانی و همیشگی است؛ ولی رفتار انسان که عبارت است از پیاده کردن همان روحیات در خارج، در شرایط مختلف، مختلف می شود» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵۹). وی در تبیین این تفاوت بیان می دارد که در شرایط مختلف، اخلاق فرد تغییر نمی کند؛ بلکه رفتار اوست که متناسب با شرایط مختلف به اشکال مختلف بروز می یابد.

شهید مطهری ضمن پاسخ به مسئله مطلق یا نسبی بودن اخلاق بیان می دارد که اخلاق به عنوان ملکات نفسانی، مطلق، ثابت و همیشگی است و فعل اخلاقی یا همان رفتار، نسبی است و فاعل اخلاقی باید اجتهاد کند که در شرایطی که قرار گرفته کدام رفتار اخلاقی را از خود نشان دهد؛ چون از نظر ایشان یک رفتار هر چند به ظاهر اخلاقی باشد اگر در شرایط نامناسب بروز پیدا کند مصداق رفتار غیر اخلاقی می شود. ایشان با اشاره به این که یک فعل در شرایطی ممکن است اخلاقی و در شرایط دیگر غیر اخلاقی محسوب شود بحث عناوین اولیه و ثانویه در اسلام را مطرح می کند و بیان می دارد: «شاید هیچ کاری را در اسلام نداشته باشیم الا این که با عناوین ثانویه، حکمش فرق می کند» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵۰). مثالی که ایشان مطرح کرده بحث عفت است. شهید مطهری بیان می دارد که بی عفتی یک رذیلت اخلاقی است و این مسئله ثابت و مطلق و همیشگی است؛ اما اگر زن بیماری که جانش در خطر است و به پزشک زن دسترسی ندارد به پزشک مرد مراجعه کند و پزشک برای معالجه مجبور به لمس بدن او باشد رفتاری که مصداق بی عفتی باشد رخ نداده است. به عبارتی، گرچه لمس کردن بدن زن توسط نامحرم با عنوان اولی، خلاف عفت و غیر اخلاقی است؛ اما همین فعل در یک شرایط خاص جنبه غیر اخلاقی بودن خود را از دست می دهد و عنوان ثانویه پیدا می کند. این غیر از آن است که خود عفاف به عنوان یک خلق و خوی و خصلت، ارزش خود را از دست بدهد؛ بلکه ارزش آن محفوظ است و این فعل است که تغییر می کند. پس شهید مطهری بین ویژگی های باطنی و ملکات راسخ نفسانی با رفتار عینی و فعل اخلاقی تفاوت قائل شده است.

استاد مطهری برای تبیین تفاوت اخلاق و رفتار به یک مسئله ادبیاتی استناد می کند. وی بیان می دارد در همه زبان ها، در الفاظی که مربوط به حالات روانی انسان است گاهی لفظ به کار برده می شود؛ ولی نه به اعتبار خود آن حالت روانی، بلکه به اعتبار اثری که معمولاً در آن حالت روانی از انسان سر می زند؛ مثلاً مهربانی یک

حالت روانی است که توسط رفتارهای خاصی نمود می‌یابد. این مهربانی یک حالت روانی و یک احساس در انسان است؛ اما گاهی به کار برده می‌شود تا بیان شود که این حالت نفسانی در شخص وجود دارد و گاهی به کار برده می‌شود تا بیان شود که رفتاری که نشان‌دهنده مهربانی است از فرد سر زده است؛ اعم از این که خود مهربانی در نفس شخص وجود داشته باشد یا نداشته باشد؛ مثلاً گفته می‌شود: «فلانی با شخصی مهربانی کرد»؛ یعنی رفتاری از نوع رفتار مهربانانه انجام داد؛ اعم از این که حقیقت مهربانی در آن شخص وجود داشته باشد یا نه. شهید مطهری برای اثبات سخن خود در مورد تفاوت اخلاق و رفتار به کاربرد الفاظ انسانی در مورد خداوند استناد می‌کند و بیان می‌دارد که وقتی یک ویژگی انسانی، مثل غضب، حیا و استهزاء به خداوند نسبت داده می‌شود مراد، صدق مفهوم انسانی این الفاظ در مورد خداوند نیست؛ بلکه اثر این حالات روانی است که به خداوند نسبت داده می‌شود؛ یعنی رفتاری که خداوند با انسان انجام می‌دهد نظیر حالتی است که از روی غضب یا حیا یا استهزاء از انسان صادر می‌شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵۸ تا ۱۶۲).

در یک جمع‌بندی از دیدگاه استاد مطهری می‌توان گفت بنا بر نظر ایشان، گستره اخلاق شامل رفتار نمی‌شود و رفتار به معنای نمود ظاهری عمل در تعریف اخلاق نمی‌گنجد. اخلاق فقط شامل ملکات و صفات ثابت نفسانی است و رفتارها متناسب با این صفات در شرایط مختلف به گونه‌های متفاوت نمود می‌یابند.

۴. نسبت اخلاق و رفتار از دیدگاه دکتر فنایی

در این بخش به بررسی دیدگاه‌های دکتر ابوالقاسم فنایی به عنوان یکی از طرفداران و مروجان اخلاق سکولار در ایران می‌پردازیم. نظرات ایشان در رابطه با نسبت اخلاق و رفتار در کتاب دین در ترازوی اخلاق به وضوح بیان شده است و مرجع ما در این مقاله برای نقل افکار ایشان همین کتاب خواهد بود.

دکتر فنایی ادعا می‌کند که اخلاق رایج میان مسلمانان اخلاق فردی است؛ یعنی اخلاقی که عبارت است از مجموعه‌ای از فضایل و رذایل نفسانی که صرفاً از حیث نقش و تأثیری که در سعادت و شقاوت اخروی شخص دارند مورد توجه قرار می‌گیرند. اخلاق فردی اولاً و بالذات به رفتار بیرونی فرد که تجلی و ظهور ملکات درونی اوست کاری ندارد. از نظر مسلمانان اخلاق شامل اخلاق اجتماعی و اخلاق باور یا اخلاق تفکر و پژوهش نمی‌شود. وی بیان می‌دارد که اخلاق فردی عمدتاً نتیجه‌گرا و آخرت‌اندیش است؛ در حالی که اخلاق اجتماعی، چه نتیجه‌گرا و چه وظیفه‌گرا، دنیوی‌اندیش است؛ لذا مسلمانان تصویر درستی از اهمیت و جایگاه اخلاق در تنظیم روابط اجتماعی ندارند. وی در ادامه به مقایسه اخلاق فردی و اجتماعی از جهات متعدد می‌پردازد و ضمن بیان تفاوت آنها از حیث موضوع و از حیث نیت، به مسئله نسبت رفتار و اخلاق اشاره می‌کند.

دکتر فنایی در رابطه با تفاوت اخلاق فردی و اجتماعی از حیث موضوع می‌گوید: «آنچه از منظر اخلاق فردی اهمیت دارد صرف داشتن فضایل اخلاقی و نداشتن رذایل اخلاقی است نه رفتار مترتب بر این فضایل و رذایل. در اخلاق فردی فضایل و رذایل از حیث نقشی که در سعادت و شقاوت خودِ فاعل بازی می‌کنند مهم محسوب می‌شوند نه از حیث تأثیری که این ملکات یا رفتار ناشی از آنها بر سعادت و خوشبختی و رفاه دیگران و تنظیم روابط اجتماعی دارند؛ اما موضوع اخلاق اجتماعی، رفتار فرد با دیگران است. آنچه اولاً و بالذات برای این اخلاق اهمیت دارد چگونگی رفتار و تعامل افراد با یکدیگر و نهادهای اجتماعی است» (فنایی، ۱۳۸۴: ۵۳ و ۵۴).

در نوشته‌های دکتر فنایی دیدگاه اخلاق سکولار در رابطه با نسبت اخلاق و رفتار زمانی بیشتر جلوه می‌کند که وی به بررسی تفاوت اخلاق فردی و اجتماعی از حیث انگیزه و نیت می‌پردازد. دکتر فنایی با تفکیک حسن و قبح فعلی از حسن و قبح فاعلی بیان می‌دارد کار خوبی که با انگیزه بدی انجام گرفته هرچند حسن فاعلی ندارد؛ اما حسن فعلی دارد. وی برای توجیه این ادعا که افعال، صرف‌نظر از فاعل و انگیزه او نیز دارای ارزش اخلاقی‌اند شهود اخلاقی انسان‌ها را گواه می‌گیرد و بیان می‌دارد همه انسان‌ها درک می‌کنند ارزش کار خوبی که با نیت بد انجام گرفته با کار بدی که با نیت بد انجام گرفته مساوی نیست؛ بنابراین، خوبی و بدی افعال، از جمیع جهات تابع نیت فاعل آنها نیست.

وی در ادامه می‌گوید از نظر اخلاق فردی، نیت اهمیت بسیاری دارد و نیت خوب به‌عنوان یک فضیلت و ارزش اخلاقی در کمال و سعادت فردی و اخروی شخص نقش دارد؛ اما از نظر اخلاق اجتماعی انگیزه و نیت مهم نیست؛ مثلاً از نظر اخلاق فردی امانت‌داری با انگیزه رسیدن به سود بیشتر از طریق جلب اعتماد دیگران کار پسندیده‌ای نیست و حسن فاعلی ندارد؛ در حالی که اخلاق اجتماعی صرفاً از افراد می‌خواهد که امانت‌دار باشند و به انگیزه و نیت آنها اهمیت نمی‌دهد؛ مگر در صورتی که انگیزه و نیت افراد در اخلاقی شدن روابط اجتماعی نقش داشته باشد. از منظر اخلاق اجتماعی مهم این است که شخص در رفتار خود به دیگران آسیب نرساند و حقوق دیگران را پایمال نکند و روشن است که انگیزه شخص تا حدود زیادی دخیل در تحقق این هدف ندارد.

از آنجاکه بر اساس دیدگاه اخلاق سکولار، اخلاق در واقع همان رفتار است اموری مثل تفکر و تحقیق نوعی کار و عمل آگاهانه و اختیاری و ارادی محسوب می‌شود تا بتوان مسائلی مثل تعصب، تحجر و جزم‌اندیشی را تحت ضوابط و معیارهای اخلاقی درآورد (ر.ک: فنایی، ۱۳۸۴: ۵۱ تا ۶۲).

با توجه به آنچه بیان شد بنا بر ادعای دکتر فنایی معنای اخلاق از دیدگاه اخلاق سکولار مساوی با اخلاق اجتماعی است و از آنجاکه در این اخلاق فقط رفتار مهم است نه صفات و ملکات درونی انسان، پس اخلاق از این نظر فقط شامل رفتار می‌شود. بر اساس این دیدگاه، اگر رفتار افراد در اجتماع متناسب با ارزش‌های اجتماعی و در راستای سعادت افراد اجتماع باشد اخلاق تحقق یافته است؛ هرچند این رفتار از ملکه و صفت نیک نفسانی نشأت نگرفته باشد یا نیت خوبی برای انجام آن وجود نداشته باشد؛ برای مثال اگر فرد به هم‌نوعان خود کمک کند؛ ولی نیتش فخرفروشی و ریا باشد باز هم رفتار او اخلاقی است؛ چون کاری که انجام می‌دهد به نفع اجتماع است و اهمیتی ندارد که با چه نیتی صورت گرفته؛ البته تا زمانی که نیت او ضرری برای افراد دیگر نداشته باشد.

۵. مقایسه دو دیدگاه

پس از روشن شدن تعریف اخلاق و نسبت آن با رفتار از دیدگاه شهید مطهری و دکتر فنایی، نوبت به بررسی و مقایسه این دو دیدگاه با یکدیگر می‌رسد. همان‌طور که مشاهده شد هر دو دیدگاه در این مسئله که ملکات نفسانی جدای از رفتار هستند با هم تشابه دارند. از نظر شهید مطهری اخلاق فقط شامل ملکات و ویژگی‌های ثابت در نفس می‌شود و رفتار جزو آن نبوده و متناسب با شرایط تغییر می‌کند. دکتر فنایی هم اخلاق را صرفاً رفتارهای اجتماعی که به سود افراد جامعه بوده و ضرری برای آنها نداشته باشد قلمداد کرده و اهمیتی برای ملکات که منشأ بروز این رفتارهاست قائل نمی‌شود. پس هر دو دیدگاه در جدا بودن رفتار از ملکات نفسانی تشابه دارند.

از همین وجه تشابه یکی از وجوه اختلاف این دو دیدگاه آشکار می‌شود و آن، تعریف اخلاق از منظر این دو دیدگاه است. از نظر شهید مطهری اخلاق عبارت است از ملکات راسخ نفسانی که شامل رفتار نمی‌شود و از نظر دکتر فنایی، اخلاق عبارت است از رفتار اجتماعی که شامل ملکات نفسانی نمی‌شود. اگر بخواهیم بر اساس نسبت‌های چهارگانه منطق نسبت اخلاق و رفتار را از منظر این دو دیدگاه بیان کنیم می‌توانیم بگوییم از دیدگاه شهید مطهری نسبت اخلاق و رفتار نسبت تباین است؛ زیرا رفتار در تعریف اخلاق نمی‌گنجد؛ ولی نسبت اخلاق و رفتار از دیدگاه دکتر فنایی تساوی است؛ چون اخلاق را همان رفتار اجتماعی می‌داند.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو دیدگاه، بحث نیت است. شهید مطهری معتقد است «نیت آن‌قدر اهمیت دارد که اگر خود عمل را و نیتی را که توأم با عمل است اندازه‌گیری کنند، جنبه نیت بر پیکر عمل رجحان دارد» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹۶). به‌طور خلاصه، طبق دیدگاه شهید مطهری نیت انجام یک فعل، اخلاقی بودن یا نبودن آن را تعیین می‌کند.

در مقابل، از نظر دکتر فنایی، آنچه اهمیت دارد رفتار اجتماعی افراد است و عنوان اخلاق بر همین رفتار اجتماعی صدق می‌کند. در این دیدگاه، حسن فعلی حرف اول را می‌زند و نیت تا زمانی که تأثیری در سود و زیان اجتماعی نداشته باشد اهمیتی ندارد. در این دیدگاه اگر کاری از نظر اجتماعی صرفاً حسن فعلی داشته باشد یک عمل اخلاقی محسوب می‌شود و نیت در تعیین اخلاقی بودن یا نبودن آن نقشی نخواهد داشت. طبق مثالی که دکتر فنایی در کتاب دین در ترازوی اخلاق آورده است در اخلاق اجتماعی کافی است که افراد در تعاملات خود با دیگران امانت‌دار باشند؛ حتی اگر این امانت‌داری را به انگیزه جلب اعتماد مردم برای رسیدن به سود بیشتر یا به سبب ریا انجام دهند. در این حالت بر اساس دیدگاه اخلاق سکولار، امانت‌داری با این انگیزه‌های فاسد نیز یک عمل اخلاقی و ارزشمند محسوب می‌شود.

شهید مطهری در پاسخ به نظراتی همانند دیدگاه دکتر فنایی بیان می‌دارد که اعمال انسان دارای دو بعد است: یکی بعد فعلی و دیگری بعد فاعلی. خوبی و بدی هر یک از این ابعاد جداگانه محاسبه می‌شود. برای قضاوت در مورد حسن فعلی یک عمل، نتیجه خارجی و اجتماعی آن ملاک است و برای قضاوت در مورد حسن فاعلی همان عمل، نیت و کیفیت صدور آن از فاعل و تأثیر داخلی و روانی عمل در شخص ملاک است. از این رو، وقتی یک فرد، مثلاً بیمارستانی تأسیس می‌کند یا اقدام نیکوکارانه دیگری در امور فرهنگی یا بهداشتی یا اقتصادی یک کشور انجام می‌دهد، شک نیست که عمل او از نظر اجتماعی خیر است؛ یعنی کار مفید و با منفعتی برای خلق خدا صورت گرفته است. در این حساب فرقی نمی‌کند که هدف فاعل از ایجاد بیمارستان یا مؤسسه خیریه ریاکاری و تظاهر و اشباع غرائز نفسانی باشد یا انسانی و عالی و غیر فردی، در هر صورت از لحاظ اجتماع یک کار مفید صورت گرفته است؛ اما در حساب «حسن فاعلی»، مفید بودن عمل برای این که «عمل خیر» محسوب شود کافی نیست. در اینجا حساب این است که فاعل با چه نیت و منظوری و برای رسیدن به چه هدفی اقدام کرده است؛ لذا در مثال‌هایی که ذکر شد، فاعل به اجتماع خدمت کرده و آن را بالا برده است؛ ولی به خودش خدمت نکرده، بلکه احیاناً خیانت کرده است؛ زیرا روحش به جای این که با این عمل، تعالی یابد و بالا رود تنزل یافته و سقوط کرده است. کار مفید اجتماعی آن‌گاه از نظر نظام روحی و تکامل معنوی مفید است که روح با انجام آن عمل یک سیروسفر معنوی کرده باشد، از منزل خودخواهی و هواپرستی خارج شده و قدم به منزل اخلاص و صفا گذاشته باشد.

بنابراین، تفکراتی که در آن‌ها عمل اصالت دارد نه اندیشه و نیت و عقیده، تفکرات مادی هستند و معارف قرآن با این گونه طرز تفکرها قابل توجیه نیست. نسبت حسن فعلی به حسن فاعلی نسبت بدن به روح است. یک

موجود زنده، ترکیبی است از روح و بدن؛ باید در پیکر عملی که حسن فعلی دارد، حسن فاعلی دمیده شود تا آن عمل زنده گردد و حیات یابد. اسلام خواهان عمل با روح است نه عمل بی روح (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۰۰ - ۲۹۵).

جدول (۱): مقایسه دیدگاه شهید مطهری و دکتر فنایی درباره تعریف اخلاق و نسبت آن با رفتار			
ملکات نفسانی جدای از رفتار هستند			تشابه
تفاوت	در تعریف اخلاق	شهید مطهری	اخلاق فقط شامل ملکات نفسانی می شود و رفتار جزو آن نیست.
		دکتر فنایی	اخلاق یعنی رفتار اجتماعی و ملکات نفسانی را شامل نمی شود.
	در بحث نیت (حسن فاعلی)	شهید مطهری	نیت انجام یک فعل، اخلاقی بودن یا نبودن آن را تعیین می کند.
		دکتر فنایی	نیت در تعیین اخلاقی بودن یا نبودن یک فعل نقشی ندارد و فقط حسن فعلی آن مهم است.

۶. نقد و بررسی دو دیدگاه

در این بخش به نقد و بررسی نظرات مطرح شده در هر دو دیدگاه پرداخته و اشکالات و توضیحات لازم در مورد هر یک از آنها بیان خواهد شد.

۶ - ۱. نقد و بررسی دیدگاه دکتر فنایی

نقدهای متعددی به دیدگاه دکتر فنایی وارد است که در اینجا به طور خلاصه به سه مورد اشاره می شود:

۶ - ۱ - ۱. عدم مرزبندی صریح در نقد اخلاق مسلمانان

دکتر فنایی ادعاها و نقدهای خود را در مورد اخلاق فردی به اخلاق مسلمانان و فرهنگ اسلامی نسبت داده و تصریح نداشته که آیا مرادش از اخلاق مسلمانان اخلاقی است که اسلام آن را سفارش می‌کند یا اخلاقی است که بین مسلمانان، صرف‌نظر از منشأ آن، رایج شده و یا اخلاقی است که علمای مسلمان در کتاب‌های اخلاقی بیان کرده‌اند. هر یک از این احتمالات پاسخ جداگانه‌ای دارد و این عدم مرزبندی صریح، از نقاط ضعف دیدگاه دکتر فنایی محسوب می‌شود؛ زیرا یک دیدگاه علمی برای آن‌که از مغالطه دور بماند و در چهارچوب منطقی قرار گیرد باید حدود موضوع مورد بحث خود را به‌روشنی مشخص کند؛ خصوصاً اگر در حال نقد و به چالش کشیدن دیدگاه مقابل خود است.

۶-۱-۲. بی‌ضرر انگاشتن نیت بد

یکی از مؤلفه‌های اصلی در اخلاق سکولار، بی‌اهمیت بودن نیت در رفتار اخلاقی و جدا پنداشتن آن از اعمال است؛ به این معنا که از دیدگاه اخلاق سکولار فقط ظاهر رفتار مهم است و همین‌که ضرری به دیگران نرزد عنوان اخلاقی بر آن صدق می‌کند؛ حتی اگر این رفتار با نیت بد صادر شود. اخلاق سکولار بیان می‌دارد تا زمانی که نیت بد، موجب صدمه به دیگران نشود دخلی در اخلاقی بودن یا نبودن رفتار ندارد.

مسئله اینجاست که امکان ندارد نیت بد به کسی ضرر نرزد. نیت یک عمل جوانحی و یکی از افعال نفس انسان است. این فعل، همانند سایر افعال انسان، به‌طور حتم دارای اثر است؛ چه بر روی خود فرد و چه بر روی دیگران. اگر انسان نسبت به دیگران نیت بد داشته باشد این نیت بد هرچند در ظاهر نمود پیدا نکند و رفتار فرد همچنان موجه و بدون ضرر به نظر برسد؛ ولی بی‌شک تأثیر منفی از خود بر جای خواهد گذاشت. در قرآن کریم به تأثیر و همانا نزدیک است کافران هنگامی که قرآن را می‌شنوند با [نگاه‌ها و] چشم‌هایشان تو را به زمین بزنند اعمال باطنی نفس بر دیگران اشاره شده و خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ؛ و همانا نزدیک است کافران هنگامی که قرآن را می‌شنوند با [نگاه‌ها و] چشم‌هایشان تو را به زمین بزنند» (قلم/۵۱).

از طرفی، یکی از ملاک‌های ارزش اخلاقی، کمال است (معلمی، ۱۳۸۵: ۱۰۳)؛ به این معنا که چیزی دارای ارزش اخلاقی است که موجب رسیدن به کمال شود. پس بر اساس دیدگاه اخلاق سکولار نیز برای آن‌که رفتار دارای ارزش اخلاقی باشد باید منجر به کمال شود. وقتی اخلاق سکولار شرط اخلاقی بودن رفتار را نفع و کمال دیگران قرار می‌دهد به‌طریق‌اولی کمال فرد را هم باید در آن رفتار مدنظر قرار داده باشد. با توجه به این پیش‌فرض‌ها، رفتاری که با ظاهر خوب و نیت بد نسبت به دیگران از فرد سر می‌زند قطعاً رفتاری مضر و

آسیب‌رسان است؛ زیرا حتی اگر بپذیریم که ممکن است نیت بد به دیگران ضرری نرساند؛ ولی به‌طور حتم، به خود فرد ضرر می‌رساند؛ چون باعث تنزل وی از مراتب انسانی به مراتب حیوانی و مانع از رسیدن وی به کمال حقیقی می‌شود.

۶- ۱- ۳. تعارض شهودها

دکتر فنایی برای بیان این مطلب که حسن فعلی به تنهایی برای داشتن ارزش اخلاقی کفایت می‌کند به شهود اخلاقی استناد کرده است. وی می‌گوید: «شهودهای اخلاقی ما گواهی می‌دهند که خود افعال با صرف نظر از فاعل و انگیزه او نیز قابل ارزش دآوری اخلاقی‌اند و کار خوبی که با نیت بد انجام گرفته با کار بدی که با نیت بدی انجام گرفته یکسان نیست» (فنایی، ۱۳۸۴: ۵۵). ما نیز در رد این استدلال به شهود اخلاقی استناد کرده و می‌گوییم شهود اخلاقی ما گواهی می‌دهد که در تعاملات اجتماعی نمی‌توان رفتارها را بدون نیت‌ها و انگیزه‌های صدور آنها ارزش‌گذاری کرد؛ برای مثال، وقتی نوع انسان‌ها از کسی کمکی دریافت می‌کنند برایشان فرق می‌کند که این کمک از سر محبت صورت گرفته یا به‌منظور ترحم و یا تحقیر. شاهد این ادعا هم آن است که به‌طور ذاتی، انسان نسبت به کسی که از روی محبت و نوع دوستی کمک می‌کند تمایل قلبی و احساس محبت دارد و در مقابل، نسبت به کسی که برای فخرفروشی و تحقیر دیگران به آنها کمک می‌کند احساس نفرت و انزجار می‌کند؛ بنابراین، اگر ادعای اخلاق سکولار مبنی بر اهمیت ظاهر رفتار، بدون نیتی که پشت آن است صحیح باشد باید در میان نوع انسان‌ها ارزش رفتار افراد نوع دوست، متکبر و ریاکار که ظاهر عملشان یکی است به یک اندازه باشد؛ در حالی که در واقعیت چنین نیست و مردم عمل این افراد را به وجوه مختلف ارزش‌گذاری می‌کنند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود شهود اخلاقی که از طرف ما بیان شد در تعارض با شهود اخلاقی است که دکتر فنایی ادعا می‌کند؛ پس این دلیل نمی‌تواند دلیل قابل قبولی برای پذیرش ادعای اخلاق سکولار مبنی بر بی‌تأثیر بودن نیت در رفتارها باشد.

۶- ۲. نقد و بررسی دیدگاه شهید مطهری

پس از مشاهده دیدگاه شهید مطهری در رابطه با نسبت اخلاق و رفتار، سه نکته لازم به توضیح است که در ادامه بیان می‌شود:

۶- ۲- ۱. مسئله جدایی اخلاق از رفتار

بیان شد که شهید مطهری رفتار را خارج از دایره اخلاق دانسته و با ذکر دلایلی تصریح می‌کند که چون ملکات از رفتار جدا هستند انسان می‌تواند رفتارهایی برخلاف ملکاتی که دارد از خود نشان دهد؛ مثل بروز رفتار متکبرانه از شخص متواضع در مواجهه با شخص متکبر. مسئله این جاست که اگر با این تعریف اخلاق را فقط شامل ملکات نفسانی بدانیم در این صورت، اشکالی که دکتر فنایی به اخلاق مسلمانان گرفته بر این تعریف وارد می‌شود؛ زیرا در اخلاق به این معنا فقط بهره‌مندی از ملکات نفسانی اهمیت داشته و رفتار جایگاهی ندارد.

در نگاه اول به نظر می‌رسد این اشکال وارد است؛ اما با بررسی نظرات دیگر شهید مطهری به دست می‌آید که ایشان تعریف دیگری هم از اخلاق دارند که هرچند به صراحت تعریف اول نیست؛ ولی از آن فهمیده می‌شود که طبق نظر ایشان، اخلاق علاوه بر ملکات نفسانی رفتار را هم در برمی‌گیرد؛ برای مثال، ایشان بیان می‌دارد: «معمولاً می‌گویند اخلاق، دستور چگونه زیستن را در دو ناحیه به ما می‌دهد: یکی در ناحیه چگونه رفتار کردن و دیگر در ناحیه چگونه بودن. در حقیقت چگونه زیستن دو شعبه دارد: شعبه چگونه رفتار کردن و شعبه چگونه بودن. چگونه رفتار کردن مربوط می‌شود به اعمال انسان - که البته شامل گفتار هم می‌شود - که چگونه باید باشد و چگونه بودن مربوط می‌شود به خوی‌ها و ملکات انسان که چگونه و به چه کیفیت باشد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۲، ۳۸).

دلیل دیگری که نشان می‌دهد اخلاق از دیدگاه شهید مطهری، رفتار را هم شامل می‌شود تأکید ایشان بر لزوم توجه در تشخیص فعل اخلاقی است. ایشان در این رابطه می‌گوید: «آنهايي که تبليغ اخلاق می‌کنند دو کار باید بکنند: از نظر توصیه کردن به خود خلق و خوی‌ها باید آنها را به عنوان امور مطلق توصیه کنند؛ ولی در عین حال باید نوعی آگاهی و اجتهاد نیز به مردم بدهند که در مقام عمل، فعل اخلاقی را با فعل غیر اخلاقی اشتباه نکنند» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵۳). تصریح شهید مطهری به فعل اخلاقی نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان اخلاق، رفتار را نیز شامل می‌شود و ما افعال اخلاقی نیز داریم.

در رابطه با چگونگی جمع بین این دو تعریف متفاوت از اخلاق در بیانات شهید مطهری می‌توان گفت تعریف اول که در آن اخلاق، فقط شامل ملکات نفسانی است و رفتار در آن نمی‌گنجد ناظر به تعریف لغوی اخلاق است. در این تعریف، اخلاق جمع خُلق و به معنای ملکات نفسانی است و رفتار را شامل نمی‌شود؛ اما در مباحث اخلاقی دیگر خصوصاً در قضاوت‌های اخلاقی که از فعل اخلاقی و غیر اخلاقی بحث می‌شود شهید مطهری اخلاق را در معنایی به کار می‌برد که علاوه بر ملکات، رفتار را هم در برمی‌گیرد.

بیان شد که از دیدگاه شهید مطهری نیت در تعیین اخلاقی بودن یا نبودن رفتار نقش دارد. ایشان در رابطه با ارکان نیت می‌گویند: «نیت از نظر اسلام دارای دو رکن است: یکی این که عمل باید از روی توجه باشد نه از روی عادت،... رکن دوم نیت، اخلاص است و این که انگیزه انسان از عمل چیست؟ [بنابراین دو رکن نیت به این شرح است]: (۱) چه می‌کنم؟ (۲) برای چه این کار را انجام می‌دهم؟» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹۵ و ۱۹۶).

در این جا شهید مطهری نیت را در مقابل عادت قرار می‌دهد و در بیانی دیگر عادت را همان ملکات نفسانی معرفی می‌کند که از تکرار یک عمل به وجود آمده‌اند. اگر عملی که تکرار می‌شود عمل نیک باشد ملکاتی هم که در جهت آن عمل ایجاد می‌شوند ملکات فاضله هستند و اگر آن عمل، عملی فاسد باشد ملکات روحی که در جهت آن عمل هستند ملکات رذیله خواهند بود (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۶۶۷). طبق نظر شهید مطهری، نقش نیت آن است که این ملکات را از صرف عادت بودن خارج کرده و از طریق آگاهی و توجه به عمل، تعیین کند که کدام عمل، اخلاقی و کدام غیر اخلاقی است. شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: «این که در اسلام به مسئله نیت تا این اندازه توجه شده برای جلوگیری از این است که عبادت‌ها آن چنان عادت نشود که به واسطه عادت، به یک کار طبیعی و غیرارادی و غیر فکری و غیر هدفی و کار بدون توجه - که هدف درک نشود و فقط به پیکر عمل توجه گردد - تبدیل شود» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

در یک جمع‌بندی از دیدگاه شهید مطهری در مورد ارتباط نیت با ملکات و رفتارهای اخلاقی می‌توان گفت شهید مطهری به ارتباط دوسویه ملکات و رفتارها اشاره کرده و بیان می‌دارد که هم ملکات نفسانی باعث ایجاد رفتار می‌شوند و هم تکرار رفتار باعث ایجاد ملکات نفسانی می‌شود. رفتاری که از ملکات نفسانی سر بزند درواقع رفتار از روی عادت است. بر اساس بیانات ایشان، آن چه که به این رفتارهای عادت شده ارزش اخلاقی می‌دهد نیت صدور آنهاست؛ بنابراین، نیت، تعیین‌کننده حسن فاعلی رفتارهاست. استاد مطهری می‌گوید: «اگر فاعل، دارای نیت و هدف خیر باشد و کار خیر را با انگیزه خیر انجام داده باشد کارش خیر است؛ یعنی حسن فاعلی دارد» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۹۷).

در این جا نکته‌ای وجود دارد که باید به آن توجه کرد. معمولاً نیت را به عنوان حسن فاعلی، شرط افعال اخلاقی قرار می‌دهند؛ درحالی که نیت به عنوان یکی از افعال جوانحی نفس، به تنهایی یک فعل اخلاقی محسوب می‌شود و خودش نیاز به حسن فاعلی دارد. با توجه به این مسئله، این سؤال مطرح می‌شود که اگر نیت، حسن فاعلی نیست؛ پس چه جایگاهی نسبت به رفتارهای اخلاقی دارد؟

در پاسخ باید گفت نیت و رفتار هر دو به عنوان افعال نفس انسان در طول هم قرار دارند. علت تامة آنها نفس انسانی است و ملکات برای هر کدام به طور جداگانه علت ناقصه محسوب می شوند. از این رو امکان دارد؛ مثلاً رفتاری از ملکه سخاوت صادر شود؛ ولی نیت فرد از انجام این رفتار سخاوت‌مندانه، ریا و خودنمایی باشد؛ یعنی رفتار سخاوت‌مندانه از فرد ریاکار به راحتی صادر می شود؛ چون این رفتار در اثر تکرار برای او به صورت ملکه درآمده، اما نیت او از صفت و ملکه ریا نشأت گرفته و همین مسئله سبب می شود که فرد به رغم برخورداری از ملکه سخاوت، رفتار سخاوت‌مندانه اش ارزش منفی داشته باشد. پس نیت، گرچه حسن فاعلی محسوب نمی شود؛ ولی همچنان تعیین کننده ارزش اخلاقی رفتارهاست.

سؤال دیگری که مطرح می شود این است که اگر نیت، یک فعل اخلاقی است؛ پس حسن فاعلی رفتارهای اخلاقی از جمله خود نیت بر چه اساسی تعیین می شود؟ در پاسخ باید گفت ملکات نفسانی تعیین کننده حسن فاعلی رفتارهای اخلاقی هستند؛ به این صورت که ارزش یک رفتار خوب که با نیت خوب از انسانی که دارای فضایل نفسانی والاست سر می زند بالاتر از همان رفتار خوب با نیت خوب است که از انسانی با فضایل نفسانی پایین تر سر می زند؛ برای مثال، انفاقی که یک شخص مؤمن با نیت قرب الهی انجام می دهد هر چند در ظاهر با انفاقی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) انجام داده شبیه است؛ اما ارزش اخلاقی آنها در یک سطح نیست؛ چون فضایی که منشأ صدور این افعال در امیرالمؤمنین (علیه السلام) و در آن شخص مؤمن بوده در یک سطح نیست. به طور حتم، هر دو رفتاری خوب با نیتی خوب انجام داده اند؛ اما آنچه تعیین کننده حسن فاعلی و میزان ارزش اخلاقی این رفتارهاست کیفیت و خلوص فضایل و ملکات نفسانی است که منشأ صدور آنها شده است.

۷. نظر مختار

به نظر می رسد اشکال از آنجا ناشی می شود که اندیشمندان اسلامی برای تعریف اصطلاحی اخلاق، به شدت به معنای لغوی آن پایبند بوده اند؛ لذا در تعریف اصطلاحی اخلاق نیز ملکات و صفات نفسانی را اصل قرار داده اند و رفتار را فرع بر آن بیان داشته اند. هر چند در تعاریف ارائه شده برخلاف ادعای دکتر فنایی، رفتار مورد غفلت واقع نشده و تصریح شده است که ملکات باعث صدور رفتار به سهولت و بدون تأمل می شوند؛ ولی شاید اگر برای معنای اصطلاحی اخلاق تعریفی ارائه شود که اشاره واضح تری به نسبت آن با رفتار وجود داشته باشد این برداشت های غلط از اخلاق اسلامی و نسبت های نادرستی که به آن داده می شود کمتر اتفاق بیفتد؛ برای مثال اگر

بپذیریم در مباحث اخلاقی از ارزش‌گذاری امور اختیاری انسان بحث می‌شود؛ در این صورت، با تعیین دایره امور اختیاری انسان می‌توان گستره اخلاق را به دست آورد و تعریف دقیق‌تری ارائه کرد.

استاد مصباح یزدی با اشاره به گستره مباحث اخلاقی می‌فرماید: «در مباحث اخلاقی از سه چیز بحث می‌شود که همگی به‌گونه‌ای با اختیار انسان در ارتباطند. یکی درباره کارهای اختیاری انسان است؛ یعنی هر عملی که انسان آن را با اختیار و انتخاب خود انجام دهد. دوم، درباره مبدأ و منشأ افعال اختیاری؛ [یعنی ملکات و صفات نفسانی] و سومین چیزی که در مباحث اخلاقی از آن بحث می‌شود نتیجه افعال اختیاری است؛ بنابراین، مطلوبیت اخلاقی مطلوبیتی است که مربوط به فعل اختیاری یا مبدأ و منشأ فعل اختیاری و یا نتیجه فعل اختیاری می‌شود» (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۴۰ و ۱۴۱).

برخی از پژوهشگران در زمینه فلسفه اخلاق معتقدند هیچ رفتار و صفتی، در صورت اختیاری بودن، خارج از حوزه داوری‌های ارزشی و اخلاقی نیست؛ از این رو، همه عرصه‌های زندگی، اعم از اقتصاد، سیاست، تعلیم و تربیت، فرهنگ، حقوق و مانند آن را شامل می‌شود؛ منتها باید توجه داشت از آنجاکه هدف غایی اخلاق، سعادت بشر است این امور اختیاری از جهت تأثیری که در سعادت بشر دارند مورد ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند. (سربخشی، ۱۳۹۰: ۵۶) همان‌طور که مشاهده می‌شود این نظر هرچند به گستره وسیع اخلاق اشاره کرده، ولی صرفاً با دیدگاه غایت‌گرایانه تناسب دارد. در بحث مفهوم‌شناسی هم اشاره شد که تعریف مشهور علمای اخلاق با دیدگاه فضیلت‌محور متناسب است؛ لذا اگر قرار است تعریفی از اخلاق ارائه شود که علاوه بر توجه به گستره اخلاق به دیدگاه خاصی معطوف نباشد شاید بتوان چنین گفت: «اخلاق به مجموعه امور اختیاری اعم از صفات، غایات و رفتارهای جوارحی و جوانحی اطلاق می‌شود که قابل داوری ارزشی باشند». این تعریف محدود به صفات یا رفتارها نبوده و علاوه بر آنها، غایات و نتایجی که انسان با اختیار خود برمی‌گزیند را هم شامل می‌شود؛ از این رو، با همه دیدگاه‌های اخلاقی، اعم از فضیلت‌گرا، وظیفه‌گرا و غایت‌گرا سازگار است. همچنین، با برداشته شدن قید «ملکه» از صفات، همه صفات، اعم از پایدار و ناپایدار که قابل ارزش‌گذاری اخلاقی هستند در این تعریف جای می‌گیرند. از طرفی این تعریف، مطلق اخلاق، اعم از خوب و بد را در برمی‌گیرد. به این ترتیب، بسیاری از مشکلات و محدودیت‌های موجود در تعاریف اخلاق، برطرف می‌شود.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعریف صریحی که از اخلاق در آثار شهید مطهری بیان شده تنها شامل ملکات نفسانی و صفات راسخ باطنی می‌شود که ثابت، مطلق، همیشگی و منشأ صدور رفتارهاست؛ ولی رفتارها اموری جدای از اخلاق و نسبی

هستند که به اقتضای شرایط تغییر می‌کنند و دارای عناوین ثانویه می‌شوند. در مقابل، دکتر فنایی، اخلاق را صرف رفتار اجتماعی می‌داند که باعث نفع رساندن به دیگران و یا حداقل، ضرر نرساندن به آنها باشد. دکتر فنایی ادعا می‌کند از نظر اخلاق سکولار، رفتاری که این ویژگی را داشته باشد یک عمل اخلاقی است؛ حتی اگر نیت فاسدی مثل ریا و سودجویی شخصی در پس آن باشد.

بیان شد که در آثار شهید مطهری علاوه بر تعریفی که از اخلاق به صراحت بیان شده تعریف دیگری نیز وجود دارد که اخلاق را هم شامل ملکات و هم شامل رفتارها می‌داند. در جمع بین این تعاریف آمد که تعریف اول، ناظر به معنای لغوی اخلاق است؛ ولی در مباحث اخلاقی به‌ویژه در قضاوت‌های اخلاقی، شهید مطهری تعریف دیگری از اخلاق دارد و اخلاق را شامل رفتارها نیز می‌داند. به این ترتیب، دیدگاه شهید مطهری در خصوص گستره اخلاق، تطابق بیشتری با دیدگاه اسلام داشته و جامع‌تر و کاربردی‌تر از دیدگاه دکتر فنایی است که اخلاق را محدود به رفتارهای اجتماعی بدون لحاظ نیت‌ها می‌داند. دیدگاه شهید مطهری که همسو با دیدگاه اسلام بوده و اخلاق را هم شامل رفتار و هم شامل ملکات می‌داند، ما را از گرفتار شدن به پیامدهای اخلاق سکولار مصون می‌دارد؛ زیرا اخلاقی که در آن فقط حسن فعلی و ظاهر خوب یک عمل کافی باشد به جای پرورش انسان‌هایی با اخلاق اصیل، ممکن است به تربیت بازیگران اجتماعی ماهر بینجامد که قواعد بازی را بلدند؛ اما فاقد شخصیت اخلاقی ریشه‌دار هستند. روابط عمیق انسانی بر اساس صداقت، اصالت و درک نیت یکدیگر شکل می‌گیرد. اگر بر پایه اخلاق سکولار، جامعه نیت‌ها را نادیده بگیرد، روابط به سطحی‌ترین حالت خود تقلیل می‌یابند و مردم بیشتر با "نقش‌ها" و "عملکردها"ی یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا با "شخصیت" و "اصالت" هم. این امر می‌تواند احساس تنهایی و انزوا را در جامعه افزایش دهد.

به نظر می‌رسد آنچه موجب شده دکتر فنایی، اخلاق مسلمانان را اخلاق فردی معرفی کنند مبنا قرار گرفتن صفات و ملکات نفسانی در تعریف اصطلاحی اخلاق توسط اندیشمندان مسلمان باشد. هرچند در تعریف مشهور اخلاق به این مسئله که صفات نفسانی منشأ ایجاد رفتارها هستند نیز اشاره می‌شود؛ اما اغلب تعریف‌های اصطلاحی ارائه شده برای اخلاق به دلیل پابندی به معنای لغوی خلق که همان صفات نفسانی است اخلاق را در دایره صفات نفسانی محدود کرده‌اند؛ در حالی که برای تعریف اصطلاحی اخلاق می‌توان با توجه به گستره و کاربرد آن، تعریف روشن‌تر و کاربردی‌تری ارائه کرد. از آنجاکه همه امور اختیاری که قابل داوری ارزشی باشند در حوزه مباحث اخلاقی قرار می‌گیرند می‌توان در تعریف اصطلاحی اخلاق چنین گفت: «اخلاق به مجموعه امور اختیاری اعم از صفات، غایات و رفتارهای جوارحی و جوانحی اطلاق می‌شود که قابل داوری ارزشی باشند».

لازم به ذکر است از آنجاکه بسیاری از ادعاهای اخلاق سکولار مبنی بر ناکارآمدی دین، بر اساس دین تحریف شده مسیحیت است برای نشان دادن نادرستی این ادعاها در مورد اخلاق اسلامی می توان با مقایسه دیدگاه های مطرح در اخلاق سکولار و اندیشمندان مسلمان، همچون علامه طباطبائی، شهید مطهری و استاد مصباح یزدی نادرستی زوایای مختلف این دیدگاه را در ساحت اخلاق نمایان کرد و با اصلاح آنچه به غلط به اخلاق دینی و اسلامی نسبت داده اند کارایی آن را در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی بیش از پیش نمایان ساخت.

منابع

قرآن کریم.

- آذربایجانی، مسعود و سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۲)، *روانشناسی عمومی*. قم، زمزم هدایت.
- آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۷)، *روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم، سمت.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق)، *الشفاء (الالهیات)*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۴۲۶ ق)، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، طلیعه نور.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ارسطو (1385)، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی، تهران، طرح نو.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیه.
- پورمقدس، علی (۱۳۶۷)، *روانشناسی اجتماعی*، اصفهان، مشعل.
- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر انوار درخشان*، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *تفصیل وسائل الشیعه*، قم، آل البیت لاحیاء التراث.
- حلی، حسین (بی تا)، *أصول الفقه*، قم، مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
- جوای آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
- خطیبی کوشک، محمد (۱۳۸۴)، *بررسی تطبیقی جامعه اسلامی و جامعه مدنی*، قم، زمزم هدایت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه.
- زیبیدی، سیدمرتضی (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- سربخشی، محمد (۱۳۸۸)، *اخلاق سکولار (مفاهیم، مبانی، ادله، نقدها)*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
- سربخشی، محمد (۱۳۹۰)، «سکولاریسم، دین، اخلاق»، *معرفت اخلاقی*، ش ۴، ۴۹-۷۲.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی داوری.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۳۰ ق)، *نهایه الحکمه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، *مکارم الأخلاق*، قم، انتشارات شریف رضی.
- فناهی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، *دین در ترازوی اخلاق (پژوهشی در باب نسبت میان اخلاق دینی و اخلاق سکولار)*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.

- قزائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، *شرح برهان شفا*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴)، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
- معلمی، حسن (۱۳۸۵)، «فلسفه اخلاق»، *فصلنامه علمی - پژوهشی قبسات*، شماره (۳۹ و ۴۰)، ۹۳ - ۱۰۸.
- موسوی، سمیه سادات و حسینی قلعه بهمن، سید علی اکبر (۱۴۰۱)، «تحلیلی تطبیقی روش‌شناسی استدلال‌های اخلاقی شهید مطهری و آیت الله مصباح یزدی»، *دین پژوهی و کارآمدی*، س ۲، ش ۱، صص ۷۹-۹۷.
- نراقی، مهدی (بی‌تا)، *جامع السعادات*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- A.S Hornby (2003), *Oxford Advanced Learners Dictionary of Current English*. Tehran: Jahane danesh.
- Bentham, Jeremy (1948), *The Principles of Morals and Legislation*, New York: Hafner.
- Collier, David (1993), "The Comparative Method". *POLITICAL SCIENCE: THE STATE OF DISCIPLINE II*. American Political Science Association. Pp105-119.
- Frankena, William (1963), *Ethics*, USA: Prentice-Hall INC.
- Hantrais, Linda (2009), *International Comparative Research*, New York: Palgrave.
- Holyoake, George (1896), *The Origin and Nature of Secularism*. London: Watts.
- Kant, Immanuel (1870), *Grundlegung zur metaphysik der sitten*, Berlin: L. Heimann
- Mill, John Stuart (1895), *Utilitarianism*, London: Routledge; New York: Dutton.
- Rivas, Solomon (2012), "Fundamentals of Integral Ethics: Religious & Secular Views". pp1_61. <https://www.biblicaltheology.com/Research/RivasSC03.pdf>.